ســـــعـــادت چـــيــــــست ؟

تتبع ونگارش:

امـــيـــن الدين « ســـعــيـــدی »

مفهوم سعادت و معانی اصطلاحی آن و فهم ما از سعادت یکی از مطالب مهم و مرکزی در جوامع بشری و زندگی ماانسانها بشمار میرود .یکی از سؤال های مهمی در زندگی انسان اینست که در یابد که

سعادت چیست؟ سعید و خوشبخت کیست؟ سعادت واقعی چیست؟ و چطور میتوان انسان به سعادت واقعی دست یابد ؟ یافتن جواب درست ومنطقی به این سوالات،به اطمینان کامل حلی برای بسیاری از مشاکل ما شده میتواند ودرک مفردات آن امر بسیار مهمی بشمار میرود .

سعادت در فرهنگ هر ملت و حتی هر انسان مفهوم، محتوی و تعاریف مختلفی دارد. هر گروه و فرقه انسانی سعادت را به شگل خاصی وذوق خود تعریف وتشریح نموده اند و فهم خویش را ازین مفهوم دارند.

کلمه سعادت یا خوشبختی در لغت، توسط علماء به معنای سعادت و خوش طالعی مورد ترجمه وتفسیر قرار گرفته است . همچنان علماء در تعریف سعادت میگویند : « سعادت : رسیدن به هر نوع کمال ممکن که انسان استعداد و شایستگی وصول به آن را

دارد » ویا به عبارت دیگر : سعادت عبارت از استفاده صحیح ، سالم ومشروع از نیروهای مختلف مادی و معنوی که پروردگار در تصرف واختیار انسان قرار داده است.

این فهم را قرآن عظیم الشان(در سوره شمس آیات :۷ – ۱۰) با زیبای خاصی خویش چنین معرفی میفرماید:

(ونفس وما سویها فالهمها فجورها وتقویها قدافلح من زکیها و قد خاب من دسیها) از فحوی آیات متبرکه با صراحت تام معلوم میگردد که : فلاح انسان در گرو تزکیه نفس است و «فلاح» همان سعادت و کمال نفس انسانی است; از این نظر که موجب رستگاری و رها شدن انسان ازمشکلات است. از آن نظر که موجب دستیابی به خواسته‌هاست «فوز» و از نظر اینکه مطلوب ذاتی است «سعادت» نامیده می‌شود .

اگر ما حکمت وفلسفه خلقت انسان را مورد تحلیل وارزیابی قرار دهیم با وضاحت تام در خواهیم یافت که، هدف از خلقت جهان وبه تعقیب آن خلقت انسان، رساندن انسان به کمال فضیلت ورساندن انسان به بالاترین کمال انسانی است، بنابر همین منطق است که گفته میتوانیم که انسان فطرتاً مخلوق کمال‌جو و سعادت طلب خلق گردیده است . بنآ همه انسانها میخواهند خود را به سعادت گم شده خود برسانند .

ولی در این جای شک نیست که انسانها برا ی رسیدن به معراج سعادت برای خود راه ها ووسایل مختلفی را مطرح وپیش بینی می نمایند. برخی از انسانها رسیدن به سعادت وخوشبختی متصور خویش را در رســـــیـــــدن بـــــه « لذت » ظاهری وبرخی دیگر از انسانها « لذت های » باطنی را مایه سعادت وخوشبختی معرفی میدارند . ابن سینا ، سعادت را به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان به طور یکنواخت

و هماهنگ که موجب کمال انسان می‌شود، معنا کرده‌اند.(رساله سیمای خوشبختی،نوشته حمید رسائی، ص ۱۷).

همچنان علما ء بدین باور وعقیده اند که هر کدام از دو خصوصیت (سعادت و شقاوت) برای خود معنای بخصوصی دارند . بطور مثال : « روح » دارایِ‌ی سعادت و شقاوتی است . و« جسم» هم دارایِ‌ی سعادت و شقاوتی بخصوص خود میباشد. بنابر همین منطق است که قرآن عظیم الشان انسان را موجودی مرکب از جسم و روح معرفی داشته است . روحی ابدی و جسمی متحوّل و متغیّر . بنابراین آنچه که تنها مربوط به سعادت، « روح » انسان است. مانند علم ، تقواو امثال آن، از سعادت‌های انسانی می‌شمرد و همچنین اموری که سعادت جسم و روح را با هم دربر دارد، از سعادت‌های انسان محسوب می‌فرماید: مانند نعمت

مال و اولاد بشرط آنکه انسان را از یاد پروردگار غافل نکند و دلبستگی به حیات دنیوی را به دنبال نداشته باشد. همچنین سعادت انسان اموری است که در ناحیه جسم و بدن سختی و ناملایماتی را بوجود آورد ولی در ناحیهٔ روح از سعادت شمرده می‌شود، مانند قبول مشقت های جسمی در راه خـــــــدا، انفاق اموال در راه خدا. امّا اموری که در روح شقاوت ایجاد کند، گرچه سعادت جسمانی را به همراه داشته باشد، هیچ گونه سعادتی را همراه ندارد، مانند لذائذی که فقط جنبهٔ دنیوی غیر مشروع داشته و این لذایذ غیر مشروع دنیوی موجب فراموشی از یاد خداوند گردد. این نوع لذائذ و به اصطلاع سعادت غیر مشروع جسمانی را پروردگار برای انسان در واقعیت عذاب شمرده است.

دین مقدس اسلام، به انسان هشدار می دهد که مفهوم زندگی این نیست که انسان یکسره خود را به لذایذ

و رنج های دنیوی منحصر شمارد . بلکه زندگی ابدی و جاودانه نیز با رنج ها و لذت های متناسب با اعمال انسان ها در راه است و این انسان است که می تواند انتخاب کند زندگی زودگذر و فانی،یا سعادت جاودانه و ابدی وهمیشگی. دین اسلامی درین راستا اعتدال را مراعات کرده و برای بهره گیری از لذایذ مادی و معنوی حدود و ثغور بس عالی و انسانی را تعیین نموده که با پیروی همان گونه که از طبیعت این دین که دین دنیا و آخرت است رهنمایی و هدایت میکند. پیروی ازین اصول سبب صلاح و فلاح دنیا و آخرت خواهد بود.

مسّلم است که سعادت و خوشبختی از آنِ انسانها و جوامع بشری است که آسایش خاطر و آرامش بیشتری داشته باشند. برای عده که سعادت و خوشبختی را تنها در داشتن مال دنیوی خلاصه میکنند باید گفت که: مال و ثروت و قدرت،به هیچ صورت

منشأ سعادت و خوشبختی به حساب نمی‌آید، زیرا ثروت و قدرت، رفاه می‌آورند اماحتمی نیست که آرام بخش باشند. یکی از دانشمندان انگلیسی می‌گوید: برای مردم عاقل، ثروت یکی از عوامل اضطراب و بدبختی است. مسئله مهم این است که باید بکوشیم تا مالک ثروت خود باشیم، نه بنده آن. ما باید امیر نفس باشیم نه اسیر نفس . کسانی که در عشق ثروت وقدرت فرورفته اند وهمیشه خود را اسیر آن ساخته‌اند و متداواماً در فکر آن میباشد که مبادا در کشمکش حوادث،مال ودارایٔی خویش را از دست ندهند ، بناً همیشه در فکر غرق اند. باید دانست که همچو اشخاص به هیچ وجه روی خوشی را نخواهد دیدی. باید تعمق کرد و دانست که در کفن جیب نیست (آن هم به گمان است که ببری یا نبری) .

انسان چگونه میتواند به سعادت حقیقی دست یا بد:

۱-کسب رضای پروردگار: اولین چیزیکه انسان

میتواند به سعادت واقعی وحقیقی برسد همانا کسب رضای پروردگار با عظمت است. قرآن عظیم الشان در سوره‌ء عصر، آنعده از انسانهای را از خسران مستثنی می سازد که آنان مؤمن ونیکوکار باشند . قرآن با صراحت تام بیان میدارد : انسانها مؤمن ونیکو کار به طور حتمی به فلاح و رستگار دست می یابند . (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ)

علما ء علم اخلاق میگویند خوش بخت کسی است که زندگی خوشایندی داشته باشد و رسیدن به این مامول جـــــز با رضا پروردگاردر چیزی دیگری بدست نمی آید .

۲- تقوا وپر هیزگاری: دومین عامل رسیدن به سعادت حقیقی را قرآن عظیم الشان در سوره شمس آیه (۹) پس از یازده سوگند وقسم چنین بیان میدارد :

سعادت و رستگاری نصیب آنعده از انسانهای است که خود را از پلیدی تطهیر کند و بدبخت کسی است که به ناپاکی روی بیاورد .

یکی از عوامل ارسال کتب سماوی وارسال پیغمبران الهی در همین فهم خلاصه میگردد ، پیغمبران آمده آند تا برای ما انسانها راه زندگی ورسیدن به زندگی سادتمند ابدی را نشان دهند. پـــــیامبران الهی مبعوث گردیده اند تا برای بشریت راه خیر وراه رسید ن به سعادت را تعلیم دهند. یـکی از رسالت انبـــیـــا ء همین است که برای انسانها راه ها وطرق ورود به زندگی سعادتمند، خوش بختی، نیکی و نیکوکاری، راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی را به آموزند .

۳- یاد پروردگار: مهمترین عامل ووسیله که موجب خوشی وآرامش روح انسان میگردد ، همانا یاد

پروردگار است . قرآن عظیم الشان در (سوره رعد : آیه ۲۸) مهم ترین عامل و وسیله برای خوشی و آرامش روح را یاد پروردگار معرفی داشته است : (الا بذکر الله تطمئن القلوب ، تنها با یاد پروردگار است که ، قلب‌ها آرام می‌گیرند.) البته روی گرداندن از یاد الله را عامل سیه روزی وبدبختی معرفی داشته ومیفرماید : (هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی اش سخت میشود) (سوره ط آیهء ١٢٤)اما باید گفت راز خوشبختی تنها در نور ایمان الهی نهفته است و بس. انسانهای در زندگی خویش خوشبخت هستند که از آرامش نفس و روح حقیقی برخوردار باشند. آنعده از انسانهای که سعادت را صرف در زراندوزی و انباشتن مال ومنال می پندارند در اشتباه اند . تجربه به اثبات رسانیده است که مال ، ودارایٖی زیاد هیچ وخت برای انسان سعادت را به بار نیاورده ، در

زیاتر از موارد همین مال وثروت است که باعث مصیبت ها وفلاکت های متعددی برای انسان میگردد .

٤- عمل صالح: قرآن عظیم الشان عمل صالح را در اعمالی مانند جهاد فی سبیل الله ، امر به معروف ، نهی از منکر، بجا آوردن شکر نعمت های الهی وتوبه را مایهء، زندگی با سعادت برای نسان معرفی داشته است.

٥- مجالست و هم نشینی با علماء و بزرگان: پیغمبر اسلام میفرماید (سعادت مندترین انسانها کسانی آند که با علما ء وشخصیت های بزرگوار و کریم هم نشین داشته باشد.)

٦-داشتن اولاد صالح: زن صالحه و منزل شایسته؛ از جمله عوامل است که واقعآ انسان را به سعادتمندی واقعی میرساند : در حدیثی از پیغمبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم روایت است که میفرماید : «من سعادۀالمرء المسلم الزوجۀالصالحۀ و المسکن الواسع

و المرکب الهنیء و الولد الصالح ؛ از سعادت انسان مسلمان است که زن شایسته ، خانه وسیع ، مرکب راهوار و فرزند شایسته نصیبش باشد».

هموطنان و خوانند گان گرامی و محترم!

نصحیت وتوصیه اخلاصمندانه ، دوستانه وبرادرانه من برای رسیدن به زندگی با سعادت و بهتر ، این است: که بــــاخود تعهد نمایم که مرتکب گناه نشویم. من معتقدم که هرچه گناه و عصیان کمتر باشد زندگی سعادتمند لذتمند در اختیار خــواهیم داشت. بر ماست تا باطن ما بهتر از ظاهر ما باشد.

خوش خلقی را نباید در زندگی فراموش کرد، آنچه که در زندگی از آن فایده ای و سعادت اصلی متصور نیست آنرا باید ترک کرد ما باید به این نتجیه در زندگی خویش برسیم که در دنیا آنچه نصیب انسان میماند که با کار آخرت اید. انسان نباید فریب مال ومنال دنیا را خورده وهمیشه درفکر پول وپیسه

ودارایِ‌ی براید. در این هیچ جای شک نیست ، انسان تامیتواند کار وزحمت بکشد تا محتاج کسی نشود ودستش برای دیگران دراز نشود. اما مراعات اعتدال و اوامر الهی درین رستا سبب صلاح و فلاح هر دو عالم خواهد گردید.

الهی ما را سعادت دارین نصیب فرما.
الهی پرودگارا بر خود ظلم روا داشته ایم اگر بر ما ترحم او درگذشت نه کنی از جمله خساره مندان خواهیم بود.
ربنا ظلمنا انفسنا ان لم تغفرلنا و ترحمنا فنکونن من الخاسرین.

و من الله التوفیق